



راهکار های کلی و الگوهای درمانی ابن مسکویه در بیماری های نفسانی - اخلاقی

علی رضایی^۱

Alirezayi79131379@gmail.com

فرشته ابوالحسنی نیارکی^۲

umz.ac.ir@f.abolhasani

چکیده

در این پژوهش به تصویر سازی ابن مسکویه از نفس سالم و بیمار پرداخته ایم و سپس راهکارهای ابن مسکویه را به مثابه یک طبیب روحانی در جهت درمان بیماری های نفسانی توضیح و تبیین نموده ایم و با همین سیر منطقی معرفت شناختی از مبنا به فروعات، به معالجه مصداقی و جزئی ابن مسکویه در مورد بیماری های نفسانی پرداخته ایم و پس از آن، رویکرد اخلاقی ابن مسکویه را با اخلاقیات ارسطو، زکریای رازی و فارابی مقایسه و تحلیل نموده ایم، ضرورت این پژوهش به دلیل اهمیت طب انگاری اخلاق در درمان بیماری های اخلاقی جامعه به دلیل موثر بودن، جزئی بودن و واضح بودن این رویکرد اخلاقی می باشد که با یک شیوه پژوهش خطی معرفت شناختی از مبنای اخلاقی تا فروعات اخلاقی در اندیشه طب انگارانه ابن مسکویه بررسی گردیده است.

کلید واژه: ابن مسکویه، طب روحانی، فلسفه اخلاق، اخلاق طب انگارانه.

مقدمه:

۱-۱: طب روحانی و اهمیت آن: موضوعات بسیاری از دیر باز تا کنون در حوزه فلسفه اخلاق، علم اخلاق و روش شناسی اخلاقی بررسی شده است، در این میان اما متفکران گوناگون اسلامی و غیر اسلامی در حوزه اخلاق، به شاخه های مختلفی تقسیم می شوند که به عنوان نمونه عبارت اند از: اخلاق فلسفی، اخلاق عرفانی و اخلاق قرآنی که به تناسب دیدگاه و مکتب آن ها، رویکرد علمی و مبنایی آن ها نیز دارای تفاوت خواهد بود. از جمله اینکه در حوزه فلسفه اخلاق نیز، مکاتب فکری مختلفی را جهان تا به حال به خود دیده است، به عنوان نمونه می توان به وظیفه گرایی، شهود گرایی، فایده گرایی و فضیلت گرایی اشاره کرد که اخلاق تمام فیلسوفان اسلامی را می توان در قالب فضیلت گرایی دانست.

^۱ دانشجوی دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، ایران.

^۲ عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، ایران.



با وجود مبنای فضیلت گرایی فیلسوفان اسلامی، منطق علمی آن ها و رویکرد آن ها به گزاره های اخلاقی متفاوت است که از جمله آن ها و پژوهش راقم سطور بر روی رویکردی است که طب انگاری اخلاقی نامیده می شود و در میان اهل فضل و ادب به طب روحانی مشهور است.

۱-۲: تعریف طب روحانی و متخصصان آن: طب روحانی در اصطلاح، عبارت است از علم به کمالات قلب ها و آفت های آن، مرض های آن و دواهای آن، به کیفیت حفظ صحتش و اعتدال آن، همچنین طبیب روحانی به شیخ و استادی گفته می شود که می تواند ارشاد و تکمیل بنماید این دانش را (جرجانی (۱۳۷۰ ه.ش)، ص ۶۰).

از جمله دانشمندانی که در این حوزه تحقیق و تفحص نموده اند می توان به ابن مسکویه، زکریای رازی اشاره نمود که کتاب های تهذیب الأخلاق و الطب الروحانی این دو دانشمند، در این حوزه فکری و رویکرد اخلاقی نوشته شده است.

۱-۳: معرفی اجمالی ابن مسکویه: ابوعلی ابن مسکویه، از حکیمان عالی رتبه و از طبیبان حاذق در اوائل قرن پنجم هجری بوده است که علاوه بر طبابت، در فلسفه نیز دستی توانا داشته است و همنشین بزرگانی چون ابوریحان بیرونی و بوعلی سینا بوده است، همچنین برخی لقب مسکویه را به خود او و برخی این لقب را به جدش نسبت می دهند که اولی صحیح تر است (مدرس تبریزی (۱۳۶۹ ه.ش)، ج ۸، ص ۲۰۶).

از کتاب های در حوزه اخلاق او، می توان به تهذیب الأخلاق و الفوز الأصغر اشاره نمود و سپس این حکیم عالی قدر، بنا به مشهور در سال ۴۲۱ هجری قمری در اصفهان وفات نموده است (همان، ج ۸، ص ۲۰۸).

۱-۴: پیشینه کار و نوآوری نگارنده: راقم این سطور درصدد برآمده است تا به دلیل ضرورت پژوهش در حوزه اخلاق در جهت سعادت جامعه آن هم در حوزه طب انگاری اخلاقی به دلیل وضوح آن، پژوهشی را در کتب ابن مسکویه به دلیل تبحر او در این رویکرد اخلاقی انجام دهد، پیشینه تحقیق به صورت زیر می باشد:

۱- ساجدی، علی محمد (۱۳۹۵ ه.ش)، و هاجر دارایی تبار، مقاله سعادت از منظر ارسطو و ابن مسکویه رازی، نشریه مطالعات اخلاق کاربردی.

۲- آقاجری، زهرا (۱۳۹۴ ه.ش)، مقاله بررسی نظام اخلاقی ابن مسکویه و سهم فلسفه یونان در آن، مجله سال ششم معرفت اخلاقی.

۳- آقاجری، زهرا (۱۳۸۸ ه.ش) و زهره توازیانی، مقاله نظام اخلاق فضیلت مدار ابن مسکویه و سهم آموزه های دینی در شکل گیری آن، فصلنامه تأملات فلسفی دانشگاه زنجان.

۴- توازیانی، زهره (۱۳۹۴ ه.ش)، مقاله تأثیر پذیری ابن مسکویه از فارابی در مسئله اعتدال و سعادت، مجله سال پنجم پژوهش های اخلاقی.

ابتکار نگارنده در چینش یک نظم معرفت شناختی با ترتیب فلسفه اخلاق، علم اخلاق، رویکرد اخلاق و منطق اخلاقی در اخلاق است که در پایان نگارنده با نگاهی جامع از طب روحانی ابن مسکویه، به مقایسه و تطبیق با برخی از دیگر طبیبان روحانی و فیلسوفان اخلاق پرداخته است و به نوآوری و تقلید ابن مسکویه در رویکرد اخلاقی توجه نموده است که در پژوهش های دیگر یا اساسا وجود نداشته است و یا دستکم به این شیوه منظم معرفت شناختی به همراه یک تبیین نسبتا جامع نبوده است.

۱-۵: سوال های تحقیق:

۱- تصویری که ابن مسکویه از نفس سالم و یا نفس بیمار دارد، به چه صورت می باشد؟

۲- ابن مسکویه به عنوان یک طبیب روحانی، چه اصول مبنایی و کلی را برای درمان بیماری های نفس توصیه می نماید؟

۳- راهکار طبیبانه ابن مسکویه برای بیماری های موردی و جزئی اخلاقی به چه نحو می باشد؟



تصویر سازی ابن مسکویه از سلامت و بیماری نفس:

ابن مسکویه، منظور از سلامت نفس را به فضیلت تعبیر می کند، به این معنا که فضائی در جهان خارج وجود دارند و انسان، به طور فطری، به آن ها شوق نشان می دهد که البته اگر بیماری ها در وجود آدمی شدت و قوت بگیرد و به صورت یک ملکه اخلاقی دربیاید، این شوق نسبت به فضائل نیز از بین می رود (ابن مسکویه (بی تا)، الف، ص ۱۸).

همچنین انجام دادن یا انجام ندادن رذایل و بیماری های نفسانی، در اندیشه ابن مسکویه، بیانگر حد وجودی آدمی است، به این معنا که به عنوان مثال، اگر اسب یا خوک، نتواند کارهای متعلق به اسب ها را انجام دهد و یا یک خوک، قابلیت این عمل را دیگر نداشته باشد که کارهایی به مانند خوکان و با ذاتیات و عوارض آن ها انجام دهد، دیگر نمی توان آن ها را اسب یا خوک نام نهاد بلکه از مفهومی که قبلاً آنان را به آن می نامیدیم، عدول می کنند و در مورد انسان ها نیز، همین مطلب صادق است، به این معنا که اگر رذیلتی از آن ها سر بزند، انسان از مرتبه انسان بودن خارج می شود و داخل در جهان بهائم و چهار پایان خواهد بود (همان، ص ۲۱).

سلامت نفس در این نگاه اخلاقی، زمانی معنا پیدا می کند که سه قوای نفس یعنی قوه شهویه، غضبیه و ناطقه، بتوانند در مسیر خود، جانب اعتدال را رعایت کنند و در این تصویر است که می توان به سالم بودن نفس چشم داشت والا نفس اگر از وسط خود خارج شود، بیمار می شود و یا اساساً موارد اشتباه به مانند افتخار به پدران خود را فضیلت تلقی می کند (همان، ص ۲۴).

راهکار ها و الگوهای کلی درمانی ابن مسکویه در درمان بیماری ها:

۱-۲: تغییر در امور اخلاقی انسان ها لحاظ شود: به این معنا است که از کلام ابن مسکویه اینطور برداشت می شود که انسان لازم نیست به اینکه دائماً مطلق گرا و آرمان گرا باشد و در ذهن خود، این موضوع را مد نظر قرار دهد که ابداً نباید خطایی از او سر بزند، بلکه به مثابه یک فاعل شناسا، خود را قانع بنماید که او هم به عنوان یک مخلوقی است که توانایی و قابلیت گناه در او قرار داده شده است بر خلاف فرشتگان و همین مطلب، دلیل است بر اینکه انسان در کلام حضرت حق تبارک و تعالی، اشرف از سایر موجودات است (همان، ص ۵۵).

۲-۲: تحصیل حکمت در جهت درمان روحی نفوس: سعادت نفوس انسانی به طور کلی در این است که حکمت بیاموزند و آموختن حکمت نیز به دو جنبه حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم می شود که اساساً، ابن مسکویه رسالت پیامبران را در انتقال این دسته از علوم به انسان ها می داند (ابن مسکویه (بی تا)، ب، ص ۶۸).

۳-۲: انسان ها می بایست فضایل را انتخاب نمایند و معیار انتخاب فضایل، حد وسط بودن آن ها است: توضیح آنکه انسان ها در مسیر دست یابی به سعادت، می بایست از گذرگاه فضیلت عبور نمایند و این گذرگاه طبق اندیشه ابن مسکویه، بسیار سخت و مشکل است به این معنا که دروادی نسبی گرایی در حوزه مصادیق برای افراد مختلف گرفتار می شویم و همین مطلب، مشکلاتی را ایجاد می نماید و همچنین مراد از حد وسط، مقوله ای کمی نیست، به این معنا که ما دو معنا از حد وسط در ذهن داریم، یک



اینکه حد وسط به معنای فی نفسه باشد که همان مقوله کمی است و یک اینکه حد وسط بالقیاس الی غیر باشد که منظور ابن مسکویه از حد وسط، این مطلب می باشد، و حد وسط را نهایت بعد و دوری از اطراف تفریط و افراط می داند (ابن مسکویه بی تا)، الف، ص ۳۴).

معالجه مصداقی و جزئی بیماری های اخلاقی:

۳-۱: رفع حسد در اندیشه ابن مسکویه: به عنوان مثال رفع بیماری حسد در طب روحانی ابن مسکویه را می توان اینطور تحلیل نمود که این حکیم، ابتدا علت این بیماری را توضیح می دهد و هنگامی که ما با علت یک بیماری روبه رو بشویم، می توانیم از آن جلوگیری، درمان و پیشگیری بنماییم، چرا که با حذف علل، معلول ضرورتاً از بین می رود.

ابن مسکویه توضیح می دهد که حسدی که مصداق شر محسوب می شود، تعریف خاصی را دربردارد و هر غبطه خوردنی، حسد محسوب نمی شود، به این معنا که ماهیت حسد، غبطه خوردن آدمی است به موارد حسنه ای برای شخص دیگر که آن شخص حقیقتاً، استحقاق آن کمالات را دارد و این غبطه خوردن به مثابه یک کیف نفسانی موجد غم و اندوه تلقی می شود که فرد را از درون چنان خوره می خوراند (ابن مسکویه (۲۰۱م)، ص ۱۰۱).

بنابراین از این نگاه و رویکرد در طب روحانی ابن مسکویه، می توان این غبطه خوردن را در جهت حسن آن یعنی کمک به فرد دارای کمال به دلیل استحقاق آن پیش برد و حسد شر را در نفس با واکاوی و تحلیل عقلانی در یک فعالیت ذهنی از بین برد.

۳-۲: رفع غضب در بین خویشاوندان خانوادگی: ابن مسکویه در این مقال نیز با شیوه تحلیلی و با یافتن سبب، سعی در حل معمای این ردیلت اخلاقی دارد، به این معنا که سبب در دعوا و نزاع های خانوادگی، این است که افراد یک خانواده یا یک قوم، تلاششان بر این است که به مطابقت در رفتار برسند و رفتار های مختلف اعضاء در این مدینه کوچک، به صورت پیش بینی پذیر و قابل پیش بینی انجام شود، حال اینکه این مسئله به دلیل تفاوت شخصیت های انسان ها میسر نیست و به ناراحتی و در نهایت به خشم گسترده می انجامد (همان، ص ۱۲۲).

با نظر به این رویکرد، راه چاره را می توان در مدارای بین خانواده ها و قوت پذیرش دانست، به این معنا که تا جایی که خلاف منطق قطعی، عقل سلیم و شرع مقدس نباشد، بتوان با رفتارهای مختلف و چه بسا متعارض پذیرشی معقول در جهت حفظ این مدینه کوچک فراهم آورد.

۳-۳: رفع غضب در اندیشه ابن مسکویه: غضب کیفیتی است که به هنگام انتقام از وضع نامطلوب صورت می گیرد، به عنوان مثال طبق گفته ای که جالینوس هم در کتاب خود ذکر نموده است، ممکن است سعی در باز کردن دری داشته باشیم و آن در باز نشود و این مصداقی می تواند باشد برای غضب در بین مردم که این مقوله شایع و واضح است، حال ابن مسکویه دوی این درد را صبر در هنگام غضب و تفکر و اعتدال در قوای شهوانیه و غضبیه می داند (همان، ص ۲۲۱).

توضیح آنکه گفتار ابن مسکویه را در روانشناسی معاصر، تحت عنوان نمود های صبر در غضب می توان به عنوان یک روش موثر در کنترل خشم واکاوی نمود که در این دیدگاه، به عنوان نمونه اگر دری باز نشد و غضب بر ما حکمفرما شده است، قبل از انجام فعلی در هنگام غضب، سه ثانیه یا بیشتر صبر بنماییم.



مقایسه تطبیقی با پیشینیان و ارزیابی:

۴-۱: تفاوت ها و شباهت های اخلاق ابن مسکویه با اخلاق ارسطو:

۴-۱-۱: شباهت ها: نظریات ابن مسکویه در فلسفه اخلاق، به درستی مانند فلسفه اخلاق ارسطو می باشد و شباهت آن ها به قدری است که اینگونه به ذهن متبادر می شود که فیلسوفان اسلامی اساساً، نظریه ابداعی در حوزه فلسفه اخلاق ندارند و این سخن به دلیل این شباهت ها معقول می نمایند و اگر تفاوتی باشد، از حیث فروعات اخلاقی است، نه از حیث مبانی اخلاقی که مربوط به حیطه فلسفه اخلاق است.

ارسطو نیز چنان ابن مسکویه، قائل به این است که یگانه راه سعادت، در حوزه اخلاق، فضیلت می باشد و فضیلت نیز از سنخ انفعالات یا قوا و توانایی ها نیست، بلکه حد وسط است که ملحوظ از حیث صاحب فضیلت می باشد و تبعاً به فراخور این معنا، وسط فی نفسه در اینجا مراد نیست بلکه منظور، وسط لغیره می باشد و از سنخ کمی نیست (صانعی دره بیدی (۱۳۷۷ ه.ش)، ص ۳۰).

۴-۱-۲: تفاوت ها: ارسطو اگرچه شاگرد افلاطون بوده است و به خداوند نیز با معنای خاص مورد نظر خود باور داشته است، اما در حوزه اخلاق، سعی در تدوین یک فلسفه اخلاق طبیعی و متکی بر دیدگاه طبیعت گرایانه، دنیوی و عملی داشته است (همان، ص ۲۴).

اما ابن مسکویه که تربیت یافته مکتب اسلامی می باشد، اگرچه در مبانی اخلاقی می توان گفت که کاملاً و دقیقاً مطابق با فلسفه اخلاق ارسطو حرکت می کند یا دستکم بسیار شباهت دارد، اما در حوزه فروعات اخلاقی، توجه ابن مسکویه، با جهت و افری به سوی حق تبارک و تعالی است.

این تأکید و توجه، به حدی است که از فضیلت های تحت عدالت را این حکیم، بازگشت به سوی خداوند می داند (ابن مسکویه (بی تا)، الف، ص ۳۲).

۴-۲: تفاوت ها و شباهت های اخلاق ابن مسکویه با اخلاق زکریای رازی:

۴-۲-۱: شباهت ها: همانطور که در مباحث گذشته در باب اهمیت عقل و خرد در اندیشه ابن مسکویه گذشته بود، زکریای رازی، این فیلسوف گرانقدر و عظیم در جهان اسلام نیز به اهمیت عقل و خرد و چه بسا وافر تر از ابن مسکویه می پردازد، تا به حدی که در کتاب خود ذکر می نماید که با عقل است که ما آن چه را که مایه نیکویی، خوبی و رفعت ما است ادراک می کنیم و به هدف خود می رسیم (رازی (۱۹۸۲ م)، ص ۱۸).

۴-۲-۲: تفاوت ها: با وجود اینکه هر دو حکیم رویکردی طبیبانه به مسئله اخلاق دارند و هر دو بر نقش خرد تأکید می ورزند، اما اخلاقیات زکریای رازی چندان متناسب با تقرب به حق نیست و منطق اخلاقی او بیشتر به منطق علمی معاصر که مبتنی بر تجربه باشد تکیه دارد در حالی که ابن مسکویه، تأکید او بر تقرب به حق تبارک و تعالی بیشتر بود و چندان به عقل در کنار روش علمی تجربی یا دستکم به اندازه زکریای رازی پایبند نبوده است، این نگاه رازی در فروعات اخلاقی او نیز به چشم می خورد، به عنوان مثال، وی در رد شراب خواری بسیار، به شریعت متوسل نمی شود و رویکرد او، همچنان مطابق و مشابه منطق علمی معاصر است و در آخر نیز اشاره ای می کند به اینکه می گساری بسیار منجر به خمول و سستی در برابر قوه شهوانیه می شود و آدمی را گرفتار می سازد و از حصار عقل و خرد می رهند (رازی (بی تا)، بخش دو، ص ۷۸).



۳-۴: شباهت ها و تفاوت های اخلاق ابن مسکویه با اخلاق فارابی:

۱-۳-۴: شباهت اخلاق ابن مسکویه با اخلاق فارابی: مهم ترین شباهت این دو حکیم در این است که فارابی هم نگاه او به اخلاق، طب انگارانه و پزشکی مآب است تا به جایی که به عنوان نمونه، مراحل اخلاقی خود را به مانند مراحل درمانی یک پزشک توصیف می نماید، به این معنا که به عنوان نمونه زمانی در اندیشه فارابی، انسان می تواند به فعل حسن برسد و فعل قبیح را ترک نماید که در طی یک مراحل بفهمد که کدام فعل، برای او لذت می آورد و کدام فعل برای او، موجب الم می شود، درست به مثابه یک پزشکی که علائم صحت را در یک بیمار می بیند و حکم به سلامت او می دهد، یا اینکه علائم بیماری را در یک شخص می بیند و حکم به بیماری او می دهد و این (جابری مقدم ۱۳۸۴.ش)، ص ۹۹. این تصویر سازی طبیبانه، به نحو واضح تری در اندیشه فارابی جریان دارد.

۲-۳-۴: تفاوت اخلاق ابن مسکویه با اخلاق فارابی: نکته قابل توجه در این مقال این است که فارابی در اخلاقیات و فضایل، معیارهایی را در فروع اخلاقی مد نظر قرار داده است که ابن مسکویه به آن بی توجه بوده است، به عنوان مثال، فارابی نقش شهرت را در کسب فضایل بسیار حیاتی تلقی می کند، به این معنا که فردی که قرار است فضایل را کسب کند، به فضایی که در نزد مشهور، فضیلت محسوب می شود نیز می بایست دقت کند و از مواردی که مشهور، آن را قبیح می داند بپرهیزد (همان، ص ۷۶).

نتیجه گیری:

نتایجی که از مقاله گرفته می شود به شرح زیر است:

- ۱- ابن مسکویه تصویر نفس و آدمی را به حد سلامت اخلاقی می داند.
- ۲- آدمیان در افعال اخلاقی خود، تغییر نفس در خطاهای اخلاقی و تغییر در موضوعات اخلاقی را می بایست لحاظ کنند و برای گسترش اخلاقیات خود، وابسته به تحصیل حکمت می باشند و در این مسیر، همواره می بایست تلاش خود را در رسیدن به حد وسط برسانند.
- ۳- در جهت رذایل اخلاقی مانند حسد، قطع رحم و غضب، می توان از عنصر علت یابی و حذف علل رذایل، سازگاری با رفتارهای نامطلوب و افزایش سعه صدر و صبر در برابر افعال انسانی برای جلوگیری از آفات اخلاقی استفاده نمود.
- ۴- شباهت اخلاقیات ابن مسکویه با ارسطو، زکریای رازی و فارابی در این است که ابن مسکویه با ارسطو در مبانی اخلاقی، با زکریای رازی در فراگیری حکمت در اصول اخلاقی و با فارابی در طب انگاری اخلاقی تا حدودی سهیم است و فرق این حکیم با آن ها در این است که ابن مسکویه به نسبت با ارسطو، الهی تر و طبیبانه تر، به نسبت با زکریای رازی عقلی پیشینی تر و به نسبت با فارابی به نحو بیشتری معارض با مشهور می باشد.



منابع:

- ۱- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب (بی تا)، الف، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، قم: انتشارات مکتبۃ الثقافۃ الدینیۃ.
- ۲- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب (بی تا)، ب، الفوز الأصغر، بیروت: انتشارات دار مکتبۃ الحیاۃ.
- ۳- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب (۲۰۰۱م)، الهوامل و الشوامل، به تحقیق سید کسروی، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیۃ.
- ۴- صانعی دره بیدی، منوچهر (۱۳۷۷ه.ش)، فلسفه اخلاق و مبانی رفتار، تهران: انتشارات سروش.
- ۵- رازی، ابوبکر محمد بن زکریا (۱۹۸۲م)، رسائل الفلسفیۃ، بیروت: انتشارات دارالآفاق الجدیدۃ.
- ۶- رازی، ابوبکر محمد بن زکریا (بی تا)، طب روحانی (رساله در روانشناسی اخلاق)، ترجمه پرویز اذکانی، تهران: انتشارات اهل قلم.
- ۷- جابری مقدم، علی اکبر (۱۳۸۴ه.ش)، سعادت از نگاه فارابی ترجمه دو کتاب تحصیل السعاده و التنبيه على سبيل السعاده، قم: انتشارات دار الهدی.
- ۸- جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰ه.ش)، التعریفات، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۹- مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۶۹ه.ش)، ریحانۃ الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، تهران: انتشارات خیام.